

اهمیت و معرفی نسخه خطی خلاصه التواریخ اثر سبحان رای بتالوی

علی زمانی^۱، لطیفه دیان^۲

^۱ استاد یار دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور اصفهان

چکیده

مطالعه کتاب های تاریخ ادبیات و منابع دیگر مربوط به قرن (۱۲-۱۰ ه.ق) نشان می دهد که در طی این دو قرن زبان فارسی از عوامل مهم تاثیرگذار تاریخ نویسی ایرانیان بر تاریخ نویسی هند به شمار می رفت. تاسیس سلسله های حکومتی منشعب از حکومت های ایرانی در هند و مهاجرت دانشمندان و مورخان ایرانی به هند سبب، شکوفایی تاریخ نویسی فارسی در اوایل دوره تیموریان هند گردید. از جمله کتب تاریخی کتاب خلاصه التواریخ تالیف سبحان رای بتالوی است که تاریخ عمومی هند از قدیم ترین ایام تاریخی این سرزمین تا زمان تالیف است. در این مقاله سعی شده است تا ضمن معرفی خلاصه التواریخ (از ابتدای کتاب تا پایان پادشاهی ظهیر الدین محمد بابر) و مؤلف آن، دلایل ارزشمند بودن کتاب نیز از نظر تاریخی و ادبی به روش توصیف و تحلیل داده ها با استفاده از منابع اصلی و موثق و سه نسخه خطی حاضر، بیان شود تا یکی از منابع مهم برای معرفی نسخه خطی چاپ نشده نیز باشد و همچنین بتواند گامی برای تصحیح نسخه خطی نام برده در متن برای دیگران باشد.

واژه های کلیدی: تاریخ نویسی هند، خلاصه التواریخ، سبحان رای بتالوی، نسخه خطی

مقدمه

نسخه خطی خلاصه التواریخ یکی از منابع فارسی می باشد که ویژگی های تاریخی و جغرافیایی هند و آداب و رسوم جامعه هند را به زبان فارسی و با نثری ساده و روان بیان کرده است. مهم ترین بخش کتاب، بخش اول آن است که نویسنده به کتاب های تاریخی نوشته شده در زمان مولف و قبل از او و نیز فرهنگ باستانی هند و اسطوره های باقی مانده در جامعه هند با نثری ادبی اشاره کرده است. و نیز به توصیف اماکن مقدس هندوان و شهرها و صوبه های مهم هند و آداب و رسوم آنان و حکومت راجه ها و پادشاهان مسلمان پرداخته است. در این مقاله بیان می کنیم که : جایگاه ادبی خلاصه التواریخ چگونه است؟ معروفترین حاکمان ذکر شده در این بخش از کتاب کدامند؟ سبک نگارش نویسنده از نظر تاریخی و ادبی چگونه است؟ توصیف ادبی و تاریخی کدام شهرها در این بخش بارزتر است؟ این کتاب از نظر جایگاه ادبی به خصوص استشهادات شعری برای پادشاهان و شهرها و نیز از نظر تاریخی و جغرافیایی هند دارای اهمیت است. با توجه به این که تا کنون در ایران تصحیحی از این نسخه صورت نگرفته و آثار دیگر مولف نیز به چاپ نرسیده در اینجا با آشنایی با زندگی مؤلف و دیگر آثار او و نیز محتوای کتاب به ارزش تاریخی و ادبی کتاب خلاصه التواریخ پی می بریم.

زندگی مؤلف

درباره مؤلف خلاصه التواریخ سبحان رای بتالوی اطلاعات کامل و قابل توجهی وجود ندارد. اکثر پژوهندگان وی را چنین معرفی کرده اند: «سبحان رای (سوجان رای) در شهر بتاله در بخش گوداسیو در پنجاب به دنیا آمد. نام مولف از صفحه آخر نسخه های متعدد کتاب به دست آمده که تفاوت هایی نیز در آنها به چشم می خورد. اجداد او دبیر بودند و عمویش میر آنند که استاد او نیز محسوب می شد از منشیان دستگاه راجا بهاری مل (صاحب دیوان شاهزاده دارا شکوه) بود. احتمالاً سوجان در دربار دارا شکوه دبیری و منشیگری را آغاز کرد. او متبحر در فارسی، عربی، هندی و سنسکریت، خوش نویسی ممتاز، دبیری توانا و لایق و مردی دانشمند بود. سوجان بعد از قتل داراشکوه در ۱۰۶۹ به مدت ۲۲ سال ملازم نواب امیرخان عالمگیری شد و پس از رفتن نواب به کابل سوجان از خدمات دیوانی دست شست و عزلت اختیار کرد. سبحان رای خلاصه التواریخ را در ده سال نوشت. او در چهلمین سال سلطنت اورنگ زیب (۱۱۰۷ ه.ق) آن را به پایان رساند. او سال ها بعد نیز مطالبی به آن افزود. از جمله درباره وفات اورنگ زیب در ۲۸ ذیقعده ۱۱۱۸ ه.ق.» (بنیاد دایره المعارف اسلامی ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۷۶۷) در مورد تاریخ وفات سبحان رای اطلاع دقیقی در دست نیست.

تألیفات دیگر مؤلف

«از دیگر آثارش: ۱- خلاصه الانشا که ۱۱۰۲-۱۱۰۵ ق نوشته شده و در بر گیرنده مطالبی برگزیده از سی کتاب معتبر. این اثر در یک دیباچه درباره هنر نویسندگی و شرایط آن، اخلاق حسنه، اقسام کاغذ و هنر خط در ده باب تدوین شده است: ۱- حمد و ثنا و نیاز به درگاه باری ۲- القاب و دستور نوشتن دعا و شوق در جواب نامه ها ۳- تعریف درویشان صاحب مال ۴- تعریف آیین و خصوصیت پادشاهان ۵- جلوس پادشاهان و تعریف جنگ فیلان و جانوران ۶- آیین متصدیان پادشاهی ۷- مذمت احماق و حاسدان ظالم ۸- تدبیر جنگ و تادیب مخالفان ۹- بی وفایی دنیا، مذمت زمانه، اظهار رضا و تسلیم و مانند آن ها ۱۰- تعریف شهرهای هند و قلعه جات پادشاهی و زیارت گاه ها و جاهای هند. از خلاصه الانشا نسخه هایی در برخی کتابخانه ها از جمله در موزه ملی پاکستان کراچی (به شماره ۲۹-۱۹۷۸ n.m.) و گنجینه شیرانی دانشگاه لاهور (به شماره ۳۳۸۴/۳۸۰/۲) نگه داری می شود.

۲- خلاصه المکاتیب که در ۱۱۱۰ ق به انجام رسیده است و مجموعه ای از منشآت آمیخته به نظم است باید دید چنان که در برخی فهرست ها آمده خلاصه المکاتیب با خلاصه الانشا یکی است یا نه. نسخه ای از آن در کتابخانه دیوان هند نگه داری می شود.» (گروه پژوهش دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۳۵۹)

البته دانشنامه جهان اسلام خلاصه المکاتیب را با خلاصه الانشا یکی دانسته و چنین می نویسد: «او جز خلاصه التواریخ، خلاصه الانشاء یا خلاصه المکاتیب را در ۱۱۰۵ تألیف کرد که در فن ترسل است. انصاری خلاصه السیاق را نیز به او منسوب کرده است.

خلاصه المکاتیب حاوی تعلیماتی برای تربیت منشیان است و مؤلف می گوید که چنین تعلیماتی باید با آثار سعدی آغاز شود و شامل انشای یوسفی و انشای ابوالفضل و آثار دیگر شعرای مشهور فارسی و نیز خوشنویسی و حساب باشد. در این کتاب اطلاعات فراوانی درباره اسباب و لوازم نگارش و منابع آنها نیز یافت می شود.» (مؤسسه دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۱، ج ۱۶، ص ۷۱۶۶)

۳- «خلاصه السیاق (نسخه کتابخانه موزه بریتانیایی به شماره add. ۶۵۸۸/۵) که در ۱۰۱۵ ق نوشته شده است . «گروه پژوهش دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۳۵۹)

هدف از تألیف خلاصه التواریخ :

مؤلف می نویسد هدف او از تألیف این کتاب، مطالعه کتب تاریخ توسط خوانندگان آن می باشد تا از گذشتگان از این عالم، عبرت گرفته از خواب غفلت بیدار شده و بی وفایی و بی بقایی دنیا و مافیها را به یقین دانسته و عمر خود را صرف امور فانی و لذات جسمانی نکنند. به کسب توشه آخرت و کسب امور معنوی پردازند و به یاد خداوند اشتغال ورزند.

استفاده از این اثر توسط مؤلفان بعدی: این کتاب بسیار مورد توجه مورخان هندی و غربی قرار گرفته است و افراد مختلف ضمیمه های بسیاری به نسخه های آن افزوده اند. امیرشیرعلی متخلص به «افسوس» شاعر اردو زبان بیش از همه باعث شهرت خلاصه التواریخ شد. او بخش اول خلاصه التواریخ را به اردو ترجمه کرد. این ترجمه آزاد که آرایش محفل نام دارد نخستین بار در ۱۸۰۸/۱۲۲۳م در کلکته چاپ سنگی شده به عنوان نمونه ای عالی از نثر اردو مقبولیت بسیار یافت و بارها تجدید چاپ شد (مؤسسه دایره المعارف اسلامی، ۱۳۹۱، ج ۱۶، ص ۷۱۶۶) همچنین مؤلف جام جم برای تألیف کتاب خود از ۲۱ کتاب تاریخی ارزشمند استفاده کرده که یکی از این کتابها خلاصه التواریخ سبحان رای است.

نثر کتاب خلاصه التواریخ : این کتاب به زبانی ساده و شیوا نگاشته شده است. سادگی متن به اندازه ای است که خواننده در فهم مطالب آن دچار مشکل نمی شود. واژه های مشکل در آن بسیار کم است. برخی از اصطلاحات و واژه های هندی و مغولی مرسوم در آن روزگار وجود دارد که خواننده نیازمند مراجعه به فرهنگ لغات می شود. لغات ترکی و مغولی مانند: جرانغار: طرف چپ و برانغار : طرف راست (مغولی) چکن : زرکش دوزی جفرات : ماست چکیده (ترکی)

و لغات هندی مانند: لک : صدهزار گروه : ثلث فرسنگ برسات: باران تابستانی ممتد جملات عربی و ابیات عربی و یا آیات و احادیث اصلاً دیده نمی شود. مؤلف گاهی در ضمن بیان حکایات و مطالب تاریخی شعرهایی آورده که در جهت روشن تر شدن مطلب مورد نظر اوست. بعضی اشعار از خود مؤلف است که بنا بر گفته خود او بر محل و بدیهه به خاطر او رسیده است. که البته در بخش اول کتاب، سبحان رای، شاعر هیچ شعری را ذکر نکرده حتی اشعاری که از خود اوست.

وجوه اهمیت کتاب :

علی اطهر در کتاب خود در «تاریخ نگاری هند» به نقل از دانشنامه جهان اسلام از این کتاب به عنوان تاریخ فارسی برای هندوان در زمان اورنگ زیب نام برده است و دکتر سرافرازی و عبدالله صفرزایی در مقاله خود این کتاب را جزء سومین دسته از تاریخ های عمومی هند دانسته اند که از قدیمی ترین ایام تاریخی این سرزمین تا زمان تألیف آن می باشد. و عامر خان محمد در مقاله خود «تعامل ادبیات فارسی با فرهنگ هندوان»، سبحان رای را یکی از نویسندگان و مورخان هندو معرفی می کند که با نوشتن خلاصه التواریخ سهم موثری در گسترش زبان و ادبیات فارسی داشته است. و اصغر آفتاب در کتاب خود «تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان» خلاصه التواریخ را یکی از معروف ترین کتاب های تاریخی مورخان هندی عهد تیموریان

هند شمرده است. استفاده از زبان فارسی و اشعار فارسی نشان دهنده اهمیت فرهنگ و ادب فارسی و تاثیر آن در سرزمین هند در آن زمان است.

این کتاب فرهنگ و آیین گذشته هند را به تصویر می کشد و برای شناخت اساطیر و اعتقادات ملهم از آیین های باستانی و عرفانی شبه قاره هند ماخذ مناسبی است .

نویسنده توالی مطالب را از جهت تاریخی رعایت کرده است. که دربردارنده مطالب مبتنی بر یک سیر تاریخی از تحولات هندوستان از قدیمی ترین ایام تاریخی و نیز دوران اسلامی هند تا زمان مولف است و نیز حاوی اطلاعاتی در مورد شاعران، فرقه ها، خاندان ها، تحولات سیاسی و تاریخی و فرهنگی آن سامان است.

این کتاب از نظر واژگان هندی غنای فراوانی دارد. نویسنده اغلب موارد کلمات هندی را با معانی آن ها ذکر کرده و به این ترتیب بسیاری از اصطلاحات لغوی را با روایت ها و حکایت های تاریخی و اساطیری همراه ساخته است. مانند، جشن جک(ص ۸۶ الف) جک اشمید(ص ۸۶ الف) جشن سویر (ص ۸۵ الف)

ارزش ادبی کتاب:

خلاصه التواریخ ازین جهت دارای ارزش ادبی است که دارای برخی ویژگی های دستوری است از جمله: کاربرد فعل ماضی به صیغه وصفی، فعل ماضی در معنای مضارع، حذف افعال به قرینه، به کاربردن لغات هندی و مغولی و لغات و مصادر عربی. همچنین با آن که کتاب یک اثر تاریخی است ولی نویسنده آرایه های ادبی را دست مایه انتقال معنا ساخته است. کاربرد این آرایه ها نثر کتاب را برای خواننده جذاب و دلنشین ساخته است. نویسنده از نظر کاربرد صنایع ادبی هنرمند است که البته گاهی تلاشی برای نشان دادن هنر خود در آن به چشم می خورد. از میان تمامی صنایع، سجع و تشبیه بیشترین میزان کاربرد را در متن به خود اختصاص داده است. برای نمونه چند مورد ذکر می کنیم.

صنایع لفظی:

تضاد: بنیاد زندگی را آب است و خرمن هستی را آتش(ص ۲۰۶ ب)
سجع: نرد است که مهره مراد پیوسته، در ششدر غم بسته (ص ۲۰۷ الف)
جان بخشی: صاعقه رقیب وار لب به خنده می گشاید.(ص ۸ ب)
ترصیع: هریک غزال مرغزار طنازی، تدر و کوهسار فتنه بازی (ص ۲۲ الف)

صنایع معنوی:

مجاز: از روغن بدن ایشان «جوها» روان شدند (ص ۱۰۰ الف)
تشبیه: جماعت برهمنان به مجرد نظاره آن ماه پاره از سنان مژگان و تیغ ابرو و تیر نگاه و خنجر غمزه مجروح شده دست از طعام باز کشیدند.(ص ۱۰۴ ب)

کنایه: فیل دانش او در معرکه تمنا لنگ است.(ص ۲۰۶ ب)

متناقض نما: زیاده آبی است آتش افروز شهرستان هستی، آتشی است آب ده شجر مدهوشی و بدمستی (ص ۲۰۶ ب)
مراعات نظیر: طرفی مکانی که در آن آب و آتش ممزوج می شود هیچ مکانی غیر از باد و خاک نباشد. نادره مکانی که در آن باد و خاک دخل ندارد.(ص ۲۶ ب)

تکرار: و عرق گل از شرم آن عرق، عرق الفعال می گردد.(ص ۱۱ ب)

از نظر ویژگی های سبکی :

ویژگی های سبکی آن در سطح لغوی و نحوی به صورت مختصر و اشاره به صورت زیر است که البته کاربرد تمامی این ویژگی ها «گاهی» و به صورت پراکنده در نثر کتاب دیده می شود.

در سطح لغوی: کاربرد لغات نزدیک به پهلوی، کاربرد لغات مهجور فارسی و لغات قدیمی، کاربرد برخی از کلمات عربی به جای فارسی، کلمات دارای بسامد بالا، کاربرد بعضی لغات در معانی خاص مانند پرستار به جای خدمتگزار، عورت به جای زن و خوب به جای زیبارو. کاربرد وش و آسا به معنی مثل و مانند و...

در سطح نحوی: کاربرد فعل جمع برای فاعل مفرد و بالعکس، آوردن ضمیر سوم شخص مفرد به جای اول شخص مفرد، حذف جملات بدون قرینه، جمع بستن ضمیر مشترک خود و ...

همچنین این کتاب از نظر اسطوره های ادبی و بررسی اندیشه ها و الگوهای بشری (مانند داستان پاندوان و کوروان و راجه کندهرپ سین) دارای اهمیت است. و بسیاری از این داستان های اساطیری و باستانی برای بازسازی و باز آفرینی نمایش ها و نمایش نامه ها مناسب است. همچنین بررسی این بخش از کتاب برای موضوع ادبیات تطبیقی با سایر آثار ادبی از نویسندگان ایرانی ارزشمند است.

نویسنده از بسیاری اشعار شاعران نامدار مانند فردوسی، سعدی، حافظ، اسدی توسی، عبد الواسع جیلی، امیر خسرو دهلوی، نظامی، جامی، ابوالفیض فیضی، هلال جغتایی و. شاعران دیگر همچون ظفرخان احسن، سیدامان الدین روشن، هلال جغتایی و ... بهره گرفته است. گاهی اشعار شاعران چون فردوسی، اسدی طوسی و امیر خسرو و ... با اندکی تغییر نوشته شده که می تواند صورت دیگری از شعر باشد. مانند: حکمش چو به فرق برنهد پیک در جامه راجه ها فتد کیک (ص ۸۶ الف)

حکمش چو به فرق برزند پیک در موزه خسروان فتد کیک (فیضی، ۱۳۸۲)

سبحان رای در کتاب خود در پایان هر حادثه تاریخی، یک نکته اخلاقی را بیان می کند و می خواهد خوانندگانش از سرگذشت انسان ها عبرت گیرند. و برای تبیین مطلب خود از سروده خود یا دیگر شاعران بهره می گیرد. آنجایی که می خواهد عدل و داد را ستایش کند و ظلم و اعتساف را نکوهش از باب عدل بوستان سعدی استمداد می جوید و وقتی در شرح دلاوری ها و جنگ های پاندوان سخن می گوید از اشعار حماسی اسدی و فردوسی بهره می جوید. و هرگاه از عشق و محبت سخن می گوید اشعار جامی و ابوالفیض فیضی را چاشنی کلام خود می کند. اشعاری که در متن خلاصه التواریخ از ابتدا تا پایان پادشاهی ظهیر الدین در قالب قطعه، فرد، مثنوی و رباعی به کار برده حدود ۷۴۰ بیت می باشد.

محتوای کتاب و شیوه تنظیم کتاب (از ابتدا تا سلطنت ظهیر الدین محمد بابر پادشاه):

این کتاب تاریخ عمومی هندوستان و سرگذشت پادشاهان و راجه ها و حکمروایان آن سرزمین و رویدادهای مهم روزگار باستان تا پایان حکومت سلطان ظهیر الدین محمد بابر می باشد. بانثری ادبی و تضمین اشعاری از مولف یا دیگر شعرا که در سال ۱۱۰۷ انجام یافته است. خلاصه التواریخ در بر دارنده مطالب متعدد و مختلفی است از جمله مقام و موقعیت شاه، وضع اقتصادی و فرهنگی، رسوم و خرافات و در اصل حماسه و تاریخ پیش از اسلام هندوستان و سلسله های هند همچنین تاریخ پادشاهان مسلمان در هند است.

همچنین در منبع دیگر چنین آمده است: «این اثر از شناخته ترین تواریخ به قلم مورخان هندوی دوره تیموریان شبه قاره است در سه حصه و درباره اقوام هند، فرمانروایان هند از راجه جدهشتر تا پایان شاهی هندوان، از سبکتگین تا جانشینان سلطان بهلول لودی همراه با گزارش جغرافیای استان های هند، دوره تیموریان تا اورنگ زیب، جنگ های خانگی میان اورنگ زیب و برادرانش و برخی سلسله های محلی تدوین شده است. نویسنده تاریخ گذشته را از بیست و هفت اثر تاریخی پیش از خود گرد آورده است اما آن چه در این اثر اهمیت دارد گزارش اوضاع اقتصادی دوره اورنگ زیب، شرح پنجاب و یادداشت های نویسنده درباره مشایخ، دانشمندان و سیک های آن روزگار است. برخی خلاصه هایی از این اثر بیرون آورده اند که انتخاب خلاصه تاریخ گزیده دل محمد دلشاد پسروری (حدود ۱۱۱۴ق) با مقدمه ای در شرح احوال پیامبران، عقاید مسلمانان و هندوان درباره آفرینش جهان و جغرافیای پسرور، زبده الاخبار گزیده امرسنگه خوشدل بنارسی که مطالب آن تا ۱۲۲۱ق ادامه یافته و

منتخب خلاصه التواریخ گزیده رام پزشاد (زنده ۱۲۳۰-۱۲۵۳ق) که این نیز تا برآوردن محمداکبر دوم را در بردارد و دست نویس آن همراه با اثر بنارسی در یک مجموعه در کتابخانه موزه بریتانیایی نگه داری می شود، از آن جمله اند. دست نویس های این آثار به ترتیب به شماره های ۳۶-۱۹۷۸. n.m کتابخانه موزه پاکستان، در کراچی و به شماره ۲۰۵۷. Or کتابخانه موزه بریتانیا نگه داری می شود.» (گروه پژوهش دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۶۵۶)

سبحان رای کتاب خود را بر خلاف مولفان مسلمان بدون حمد و نعت آغاز کرده است. در بخش اول کتاب به ۲۷ کتاب به عنوان منبع و ماخذ خود اشاره کرده است و به شرح مختصر هریک از آن ها پرداخته است. از جمله این منابع می توان کتاب ترجمه مهلبهارت (رزم نامه)، ترجمه رامایت، ترجمه پرستیس بوران از پادشاه مولانای ششتری، ترجمه بهاگوت و باشست، نسخه راجاولی، نسخه راج ترنگینی، نسخه پدموت، تاریخ سلطان محمود غزنوی، تاریخ شهاب الدین غوری، تاریخ ظفرنامه، تیمورنامه و کتاب اکبر نامه از شیخ ابو الفضل علامی و... را نام برد.

سپس علوم هندی و کتاب آسمانی بید و تفاسیر آن را شرح داده است. به ذکر درویشان هند و شرح مختصری از بعضی فرقه ها پرداخته است.

بعد از آن سرزمین هندوستان و صوبه های آن را وصف کرده است. از جمله صوبه دارالخلافة شاه جهان آباد، صوبه مستقرالخلافت اکبرآباد، متهرا، قنوج، کالنجرکده، جعدن پور، زبده اوده، لکهنو، بنگاله، بتاله، سیالکوت و... سپس احوال هر فرمانروا از راجه جددهشتر پاندوان لغایت رای تهورا را در ۱۴۰ صفحه به رشته تحریر در آورده است.

در بین شرح احوال راجه ها، حکایت های باستانی هند را بیان کرده و بعد از راجه جددهشتر به ذکر نام راجه ها و مدت سلطنت هریک اکتفا کرده است. تنها در مورد راجه جنمیجه و راجه جیپال و چند راجه دیگر شرح مبسوطی همراه با حکایت بیان داشته است. عنوان های کلی براساس ترتیب تاریخی کتاب خلاصه التواریخ به این گونه می باشد:

از راجه جددهشتر تا کهمن به مدت یک هزار و هشت صد و شصت و چهار سال سی تن فرمانروایی کردند و نسل آنها منقطع گردید.

بعد از آن راجه بسروا بعد از نسل پاندوان لغایت راجه میدهل ۱۴ تن مدت پانصد و یک سال جهان آرای و مملکت پیرایی کردند.

از ابتدای راجه پیرماه لغایت راجه اوهست ۱۶ تن مدت چهار صد و چهل و شش سال به امور سلطنت پرداختند.

از ابتدای راجه دهر بندهر لغایت راجه راجپال نه تن مدت سی صد و چهل و هفت سال فرمانروایی کردند.

راجه نیکلو چند لغایت مسماه بهیم دیوی ده تن مدت یک صد و چهل و پنج سال.

از راجه هربریم لغایت مهبریم چهار تن مدت پنجاه و سه سال سلطنت نمودند.

از راجه دیپ سنکه تا راجه چیون سنکه شش کس مدت صد و سی و نه سال جهانبانی نمودند.

راجه پرنهی مشهور به رای پتهورا و راجه بلدیو و اولادش هفت تن مدت سی صد و هشتاد و پنج سال و هفت ماه سلطنت کردند.

بعد از کشته شدن رای تهورا به دست شهاب الدین غوری حکومت هند از هندوستان منقطع گشته به سلاطین مسلمین انتقال یافت.

از ابتدای راجه جددهشتر پاندوان لغایت رای تهورا به موجب نسخه راج ترنگینی ۱۲۰ تن از قوم هند مدت چهار هزار سال فرمانروایی نمودند.

سپس به شرح احوال سلاطین مسلمین جهان می پردازد. عنوان های کلی آن عبارتند از:

از سلطان ناصرالدین سبکتکین غزنوی حکومت (۳۸۷-۳۶۶ هـ. ق) تا زمان سلطان خسرو ملک هفت تن مدت دوپست و هفده سال سلطنت غزنین و بلاد هندوستان کردند که به غیر از سلطان محمود، پادشاهان دیگر را به ذکر نام و مدت سلطنت شان بسنده کرده است. در این قسمت از کتاب بیشتر به شرح حمله های پی در پی سلطان محمود به هند پرداخته کرده است.

از سلطان جلال الدین تا سلطان قطب الدین چهارتن مدت سی و چهار سال و یازده ماه جهانبانی نمودند.

از ابتدای سلطان غیاث الدین تغلق شاه عرف غازی الملک تا سلطان ناصرالدین محمودشاه بیست تن مدت نودو شش سال و دو ماه و یازده روز جهانبانی نمودند. از این جهت نسل سلسله‌ترکان که فرزند خویشان و غلامان سلطان شهاب الدین غوری بود آخرش که بیست و چهارتن دویست و سی و سه سال جهانداری کردند.

از ابتدای رانات اعلیٰ خضرخان تا سلطان علاءالدین چهارتن مدت سی و نه سال و هفت ماه و شانزده روز سلطنت و جهانبانی نمودند.

پس از آن به شرح حکومت سلطان بهلول لودی، سلطان سکندر عرف شاهزاده نظام خان، سلطان ابراهیم، سلطان جلال الدین میران شاه میرزا، سلطان محمدمیرزا، سلطان ابوسعید میرزا، عمرشیر میرزا و حضرت ظهیر الدین محمد بابرپادشاه و همچنین وصف شهر کابل پرداخته است.

شیوه نگاری مؤلف:

چنانچه ذکر شد این کتاب فاقد هرگونه مقدمه ای است و نمی توان اطلاعاتی را در زمینه زندگی مولف از آن استنباط کرد. کتاب های مورد استفاده مؤلف در تدوین رویدادها و تحولات نشان می دهد که او با استفاده از این منابع تحت تاثیر اندیشه های تاریخ نگاری دوره مغولان و تیموریان بوده که عبارتند از: «گسترش افق دید تاریخی از طریق آشنایی با تفکر و سنن مغولی، تبیین تحولات تاریخی بر مبنای تقدیرگرایی، مشیت الهی و جبرگرایی، عدم توجه به واقع گرایی، عدم تحول در روش تاریخ نگاری و انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان نگارش اثر و به کارگیری لغات ترکی و مغولی در آن، ساده نویسی و دوری از عبارات متکلفانه.» (الیاسی- خالندی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳)

«و با توجه به این که روند رو به رشد تاریخ نویسی فارسی در شبه قاره در دوره تیموریان به ویژه از زمان پادشاهی اکبر آغاز شد و تا زمان اورنگ زیب ادامه یافت و در دوره اکبر با حمایت از هندوان، شماری تاریخ نویس هندو نیز به نوشتن آثار فارسی روی آوردند ولی در دوره پادشاهی اورنگ زیب (آغاز دهه دوم پادشاهی اورنگ زیب) حمایت دربار از تاریخ نویسان برداشته و تاریخ نویسی رسمی از شبه قاره برجیده شد اما بیشترین و بهترین تاریخ های فارسی در زمان او نوشته شدند و آثار تاریخ نویسان از جانبداری و اغراق گویی تواریخ پیشین دور ماند.» (گروه پژوهش دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، ج ۴، صص ۶۴۲-۶۴۳) از جمله این تواریخ، خلاصه التواریخ است که موضوع آن تاریخ عمومی هند است.

سبحان رای مسلمانی معتقد و بی تعصب است. چنان که در مقدمه کتاب خود به این مطلب اشاره کرده است. کسانی را که دارای تعصب مذهبی هستند بیجاها عالمیان خطاب می کند که پی به مطلب اصلی که همان معرفت و خدانشناسی است نبرده اند. و شرط تحصیل معرفت را علم می داند. اعتقاد او به قضا و قدر و مشیت الهی در تاریخ نگاری او کاملاً مشهود است. چنانچه در اشاره به بعضی وقایع در حکومت پادشاهان و راجه ها آن وقایع را خواست خداوند می داند. اعتقاد بر مشیت الهی بر سرتاسر تاریخ او حاکم است. در سرگذشت راجه پریچمت و کشته شدن او به دست تجهک مار در پایان می نویسد: «اما تیری که از شست قضا برخیزد از هفت سپر تدبیر انسان درگذرد و خدنگی که از کمان تقدیر برجهد از هفت جوش مشورت آدمی بیرون رود. حکم محکم سبحانی و امر مبرم یزدانی بر نمی گردد.» (ص ۹۸ الف)

در تسلط راجه سکھونت بر راجه جیپال می نویسد: «ارادت ایزدی بر آن شد که گاهی را بر کوهی مظفر گرداند و موری را بر ماری تصرف دهد.» (ص ۱۱۱)

سبحان رای در بیان علل وقایع تاریخی و رویدادها و اقدامات راجه ها و پادشاهان وقت حقایق را بی پرده بازگو کرده و در تاریخ نگاری از جانبداری پرهیز کرده است. مانند شرح جنگ های ناصرالدین با راجه جیپال و پیروز شدن ناصرالدین با تدبیر ریختن قاذورات در چشمه و آمدن برف سنگین و سپس قبول غرامت از طرف راجه جیپال و سپس برگشتن راجه از قرارداد خود و شکست راجه جیپال از سلطان محمود. یا دلیل شکست راجه سکھونت را از راجه بکرماجیت میل او به کوکنار و بی کفایتی او می داند.

سبحان رای نه تنها در ذکر تاریخ سیاسی و نظامی پادشاهان به حکومت و شرح جنگ ها می پردازد بلکه خصایل حاکمان و افکار آنان و اخلاق و منش و رفتار و حتی وضع ظاهری آنان را بیان می کند. از جمله بیان کبر و غرور راجه راجپال بن راجه

انندجل و نیز توصیف صفات ستوده و طرز رفتار بکرماجیت در حاجت‌روایی خلایق و ممالک ستانی او. در وصف خلق و خوی پادشاهان جانب انصاف را در نظر می‌گیرد. سلطان محمود را پادشاهی عادل و دین‌دار معرفی می‌کند که در ترویج احکام شریعت دستی توانا داشته ولی در ضمیرش نوعی تعصب دین‌مضمربود که به قصد ثواب دوازده مرتبه بر هندوستان یورش نمود. یا در ذکر خلق و خوی الغ خان عرف فخرالدین می‌گوید: «در داد و دهش و بخشش و بخشایش عالی همت بود. در طرفه‌العین تمام خزانه را خواستی که به یک کس انعام نماید بخشش تمام عمر حاتم که به سخاوت مشهور است کمترین عطای یک روزه او بود. سپس می‌گوید: القصة در سخاوت بی نظیر بود همچنان در ظلم و ستم ثانی نداشت.» (ص ۲۱۵ ب)

گاهی به بعضی آداب و رسوم درباری اشاره می‌کند. مانند این که نگه داشتن فیل بر دروازه مختص پادشاهان بود و اگر کسی فیلی بر در خانه خویش داشت خلاف حکم سلطان می‌بود.

همچنین به رسم گرفتن خلعت و منشور از خلیفه بغداد اشاره می‌کند که رسمی بود برای پادشاهان هند و نشانه رسمیت آنان برای حکومت و استقلال آنها.

و نیز رسم میل کشیدن در چشم پادشاهان شکست خورده یا رقیبان حکومت چنانچه خضر خان و شادی خان، پسران سلطان مرحوم را که برادران غیر مادری سلطان بودند میل در چشم کشیدند.

همچنین اشاره به جشن جک بعد از به تخت نشستن راجه‌ها و پیروز شدن بر دشمن و جشن جک اشمید و رسوم آن. علاوه بر تاریخ سیاسی و نظامی به تاریخ فرهنگی و اجتماعی نیز اشاره کرده است. از چندین کتب دینی و مذهبی هندوان و تفاسیر آن و علمایی که آن کتب را به تحریر درآورده اند سخن گفته است.

مولف، درویشان هند مانن سننسیان، جوگیان و ... را نام برده و در بعضی موارد به شرح وضع ظاهری آنان، اعتقادات و عبادات و غذا و طعام آنان پرداخته است و فرقه‌های متعدد آنان را برشمرده است. که نام بعضی از فرقه‌ها و آیین آنان در کتاب تشریح الاقوام نیز آمده است.

به شرح زندگی بزرگانی چون شیخ نظام الدین اولیا، محی الدین عبدالقادر گیلانی، خواجه قطب الدین بختیارکاکلی و شیخ شرف بوعلی قلندر و... پرداخته است. به ستایش شاعرانی مانند فردوسی و امیر خسرو دهلوی می‌پردازد و وجه تسمیه فردوسی را این گونه بیان می‌کند: «در شهر طوس حاکم آنجا باغی ترتیب داده بود فردوس نام نهاده بود پدرش مولانای باغبانی آن باغ داشت بدین تقریب مولانای در شعر خود را فردوسی می‌نوشت.» (ص ۱۵۶ ب) همچنین نام بعضی از کتب را متذکر می‌شود. مانند مخزن الاسرار نظامی و کلیله و دمنه و محمود نامه.

سبحان رای همرا با داستان‌های قهرمانی و حماسی، قوانین رایج اجتماعی و مذهبی و رسوم هندوان آن زمان را توضیح می‌دهد. از جمله: رسم سوزاندن زنان بعد از مرگ شوهران و یا بیوه ماندن زنان تا پایان عمر بعد از مرگ شوهر و خود را از لذات خوردن و آشامیدن بازداشتن و به رسم درویشان ریاضت کیش، زندگی کردن. همچنین به شرح «جوهر» یعنی کشتن زنان بعد از شکست شوهران در جنگ توسط افراد معتمد و نیز به جشن «سوبر» جشنی که برای دختر راجه به منظور انتخاب شوهر بر گزار می‌شده اشاره دارد.

گاهی نیروی زهد و تقوا و ریاضت برهمنان که نشان دهنده قدرت خارق العاده آنان است با اسطوره‌ها و افسانه‌های جالب همراه ساخته است.

سبحان رای گاهی به اعتقادات و باورهای عامیانه مردم آن روزگار اشاره می‌کند. مانند «در موضع ریون چشمه و حوضی است آن را معبد شمردند. چنان پندارند که تخم زعفران از آن چشمه پدید آید. آغاز کشتکار بر آن چشمه سار نیایش نمایند و شیر گاو درو ریزند اگر ریخته به آب فرونشینند فال نیکو بگیرند و زعفران دلخواه شود و اگر بر روی آب ماند فال نکوهیده است.» (ص ۷۲ ب) و نیز توصیف جگر خواره به اعتقاد مردم در صوبه نزهت آباد گجرات اجهرآباد: «به اعتقاد مردم جگر خواره این دیار مشهور فی الاکناف است و به نظر و افسون جگر مردم خصوص طفلان برآید.» (ص ۵۲ ب)

وصف اماکن مقدس و مذهبی: سبحان رای به وصف اماکن مقدس و مذهبی و نیز شهرهای بزرگ هند و صوبه‌ها و نام کوه‌ها و رودخانه‌ها در این کتاب پرداخته است. مولف ابتدا در کتاب خود هندوستان را به خوبی شرح داده و به وصف آبادی شهر،

مساجد، معابد، خوانق، عمارات، باغات، زراعات، محصولات، درختان میوه دار، چاه، تالاب، آبگیر و غدیر، امنیت شهر و موقعیت جغرافیای شهر همچنین به میزان بارش باران و معادن آن و حیوانات آن دیار پرداخته است. دلبران هند و زیبایی آنان را با زبان ادبی به خوبی توصیف کرده است. تعداد صوبه های آن شهر را با صوبه دکن و قندهار بیست و دو صوبه دانسته که تعداد زیادی از این صوبه ها را مانند صوبه دارالخلافة شاه جهان آباد، کالنجر، جعدن پور، متهرا، صوبه مستقرالخلافت اکبر آباد، کالپی، لکهنو، قنوج، اله آباد، صوبه همیشه بهار و رهناس و... شرح داده است. به موقعیت جغرافیایی و مساحت صوبه و فرمانروایی که این شهر را دار الحکومت خود قرار داده بودند و به مقبره بزرگان و ذکر نام اولیا و اماکن هنود اشاره کرده است. نام دریاها و مزیای آن دریاها و سرچشمه آن ها و اعتقادات مردم و محصولات کشاورزی حیوانات و میوه های آن شهر را نیز توضیح داده است. گاهی به آداب و رسوم غذاخوردن و نوع آن در بین مردم و نیز رفت و آمد آنان و گاهی به خواجه سراها و خواجگان آن در بعضی شهرها (مانند صوبه بنگاله) و گاهی به توصیف زنان و خوی و خصلت آنان (مانند صوبه لکهنوتی) و یا ذکر آب و هوای آن شهر در فصول مختلف و سبب تسمیه آن شهر و نام قدیم و جدید آن (مانند صوبه اورنگ آباد) و اعتقادات مردم و بتخانه های آن (مانند صوبه مالوه) و توصیف خانه ها و سقف و دیوارها و راه نجات مردم و آبگیرها (مانند صوبه نزهت آباد) و صف کشت های زعفران (در صوبه جونت گجرات) اشاره کرده است. در بین توضیح و شرح صوبه ها توصیف شهر بتاله را این گونه شروع می کند. «چون زاد بوم نگارنده این نسخه دلگشای بتاله است لهذا اندکی از احوال این شهر فیض بهر و این هنگامه مسرت آور به تسوید در آوردن ضرور دانست.» (ص ۶۳ ب) اعتقادات مذهبی مردم را در مورد گنگ و موبد هیمان دیوی و اماکن هندی در ضمن شرح صوبه ها منظور داشته است. «در نزدیکی آن (موبدهیمان دیوی) کولابیست عظیم کورکھیت نام در کتب هند آن را ناف زمین می نویسند و آغاز آفرینش جهانیان درین مکان می دانند.» (ص ۳۰ الف) و نیز اشاره به آمدن زلزله عظیم در سال ۹۱۱ ه. ق در شهر کابل که در یک روز سی و سه مرتبه زمین در جنبش آمد. بیان اهمیت این حادثه طبیعی در این شهر است.

بینش نویسنده: بینش حاکم بر تصورات نویسنده در تعریف، توصیف و گزارش وقایع و مکان ها بی تاثیر نبوده است. مثلا در وصف صوبه دارالخلافة شاه جهان آباد می نویسد: «شهر قزوین و اصفهان دارالخلافة والی ایران که در لطف و خوبی شهرت دارد به محله آن نمی ارزد» (ص ۲۷ ب)

یا در وصف عدالت و دادگری یا ظلم و اعتساف پادشاهان، طراوت و رونق باغ روزگار را وابسته به جویبار عدالت پادشاهان والا اقتدار می داند و بی رونقی ممالک و خرابی بلاد را از ظلم و ستم آنان.

خرابی قصبات و دیهات را ناشی از ظلم پادشاه و بی عدالتی او می داند و یا به اعتقاد او «پادشاهی که از امور پادشاهی غفلت ورزد و بی پروا زید سلطنتش دیر نیاید.» (ص ۱۰۷ ب)

گاهی تاریخ سبحان رای سیاست نامه ای است که شیوه پادشاهی و مملکت داری را به حاکمان می آموزد. او می گوید: «از آنجایی که جهانبانی وابسته به اخلاق حسنه و اوصاف مستحنه و اعمال پسندیده و افعال گزیده و حوصله فراخ و همت عالی و نیت درست و برداشت فراوان و شجاعت نظری و سخاوت جبلی و عدالت گستری و عطوفت ورزی است.» (ص ۱۱۲ الف) در ضمن شرح حال سلطان علاء الدین می نویسد که: «روزی از ندما پرسید که باعث وقوع آفات و حوادث در ملک چه باشد التماس کردند که سبب ظهور آفات چهار چیز است: اول بی خبری پادشاه از نیک و بد احوال خلائق، دوم شراب خوردن علی الدوام، سوم صحبت امرا با یکدیگر، چهارم زر دادن بر زایل.» (ص ۲۰۴ الف)

او معتقد به مکافات عمل در این سراسر است و عاقبت افراد را به خاطر مکافات عمل بیان می کند: «از آن جا که ایزد تعالی منتقم حقیقی است سزای هر بدکرداری را در کنارش می دهد. قاتلان سلطان جلال الدین در اندک زمان به بلای عظیم گرفتار شدند. محمود سالم در اندک زمانی مبروص شد و اندامش جوشیده از هم پاشید و نیز اختیار الدین دیوانه شده به مکافات بد کرداری مأخوذ گردید. علاء الدین اگرچه بر تخت فرمانروایی نشست اما به پاداش این کردار و نتیجه، گرفتار شده نام و نشان او و نسل او نماند.» (ص ۱۹۸ الف)

سبحان رای نویسنده ای ماهر است زیرا به اقتضای حال سخن می گوید. در وصف بازی شطرنج می گوید: «شطرنج بازیست از عجایب روزگار، مرغوب طبع پادشاهان والا اقتدار، هنگامه آرای دانش و فرهنگ، معرکه پیرای پیکار جنگ.» (ص ۱۸۳) و در جای دیگر می گوید: شطرنج دریاست ناپیدا کنار که شناور آن غرقه لجه فکر و رنج می باشد و شاه دانش و عقل در بند بلایات، وزیر تدبیرش از کجروی مصدر هزار آفات» (ص ۲۰۶) در وصف باده می گوید: «باده است مظهر سرور و خرمی و وسمه ابروی شاهد بیغمی تلخی است زاده شکر، هوش افزایی است به صورت پیکر، چهره زعفرانی را رنگ ارغوانی می دهد، معده فاسد را صفای و طبیعت رنجور را شفا می بخشد.» (ص ۱۸۵) و در جای دیگر می گوید: زیاده آبی است آتش افروز شهرستان هستی، آتشی است آب ده شجر مدهوشی و بدمستی، کارفرمای خونریزی و جفاکاری، چمن آرای بوالهوسی و بدکرداری» (ص ۲۰۶)

منابع مورد استفاده نویسنده

سبحان رای کتاب خود را بر اساس حدس و گمان نمی نویسد. هرچند خود در ابتدای کتاب اشاره کرده که «شاید در احوال فرمانروایی یا سنین فرماندهی تفاوتی ظاهر شود و یا فقرات نادرست و مضامین ناموزون معلوم شود از لطف و کرم عیب پوشی کنند.» (ص ۷)

ولی مأخذ و منابع کتاب خود را بیست و هفت کتاب تاریخی می داند که به مطالعه آن ها همت گمارده است. در چند جای تاریخ خود اشاره صریح به استفاده از کتاب های تاریخی داشته است. از جمله: در بیان ولادت راجه بکرماجیت و شرح احوال او اشاره می کند که از بعضی نسخ اختلاف بسیار دیده و شنیده ولی او در شرح حال راجه بکرماجیت از کتاب اکبر نامه و دیگر تواریخ استفاده کرده است. همچنین در ذکر راجه ها و سلطنت آنها اشاره دارد که از نسخه راجا ولی و نسخه ترنگینی و دفتر سوم اکبر نامه استفاده کرده است. همچنین می نویسد: «از آنجا که از ابتدای راجه اشمید احوال نسل پاندوان مفصل به مطالعه درنیامده و از زبان بعضی مردم استماع یافته شایان اعتبار ندانسته درین نسخه داخل نکرد.» (ص ۱۰۵) همچنین در ابتدای کتاب خود صریحاً بیان می کند که «این کتاب را به خلاصه التواریخ موسوم گردانید و عبارات و استعارات این نسخه بدیع را از کتب دیگران دزدی نکرده به قدر لیاقت و استعداد خویش به تسطیر در آورده.» (ص ۷)

حجم و کیفیت برخی اخبار و اطلاعات خلاصه التواریخ نزدیک به مندرجات منتخب التواریخ بداونی است. چنانچه در بیان سلاطین مسلمین ترتیب تاریخی سلطنت سلاطین از سلطان ناصرالدین سبکتکین تا سلطان ظهیر الدین محمد بابر شاه با اندکی اختلاف یکسان نوشته شده است. و در سال جلوس و مدت سلطنت هریک از سلاطین اختلاف بسیار کمی دیده می شود. برخی اخبار و حکایات و اطلاعات این دو تاریخ از جمله سلطنت سلطان بی بی رضیه و یا شرح به قدرت رسیدن خسرو و خیانت به سلطان قطب الدین مبارک شاه نزدیک به هم است.

همچنین بعضی از حوادث مانند زلزله عظیم در شهر کابل در سال ۹۱۱ هـ در اکبر نامه به آن اشاره شده است یا بعضی از عبارات نزدیک به هم نوشته شده است. برای مثال ابوالفضل علامی در کتاب اکبرنامه در ذکر سیاست کردن گروهی از بی خردان بی خبر توسط حضرت جهانبانی نصیر الدین محمد همایون پادشاه می نویسد:

«بعضی را دست بسته پایمال فیلان کوه پیکر ساختند. برخی را که سر از خط ادب برده بودند به برداشتن بار سر از تن اختصاص دادند، جماعه ای که دست از پا نشناخته به خیال فاسد دست زده بودند بی دست و پا گشتند. فرقه ای که از خودبینی گوش بر اوامر پادشاهی نداشته بودند گوش و بینی را بر جا نیافتند. طایفه ای که سرانگشت عزیمت بر حرف خطا نهاده بودند، نقش انگشت در مشت ندیدند.» (علامی، ۱۳۷۲، ص ۲۱۶) سبحان رای در خلاصه التواریخ در ذکر کشتن قرامطه ملاحظه در ولایت ملتان توسط سلطان محمود می نویسد:

«قرامطه ملاحظه که در آن ولایت بودند دستگیر شدند. بعضی را [دست و گردن بسته در پای فیلان کوه پیکر انداخته و جمعی را] که دست رد بر احکام شرعیه می نهادند بی دست و پا کردند و برخی را که سر از حکم شرع می پیچیدند سر از تن جدا

کردند و فریقی را که از خودبینی [گوش بر اوامر سلطان نداشتند] بینی و گوش بریدند و طایفه که سر انگشت بر حرف خطا نهاده بودند نقش انگشت بر جا ندیدند.» (سبحان رای، ص ۱۴۹ب)

همچنین در بیان بسیاری از داستان های اساطیری مانند پاندوان و کوروان و نسل و فرزندان آنان و جنگ بین آن ها و بعضی از اسامی و داستان ها و نام قرقه های درویشان با کتاب تشریح الاقوام و تاریخ فرشته شبیه است که بیان کننده این است که سرچشمه و مأخذ آنها ترجمه مهابهارت (رزم نامه) می باشد.

سبحان رای گاهی به علت شرح مبسوط مطالب و یا آوردن حکایت و یا نثری ادبی در بین وصف خود از مکانی یا شرح واقعه تاریخی ارتباط کلامش از هم گسیخته می شود که با گفتن «القصه» کلام اولیه را در دست می گیرد. این ویژگی در کتاب منتخب التواریخ بداونی و به خصوص در اکبر نامه دیده می شود. که هر دو نویسنده با ذکر کلمه «القصه» به اصل مطلب باز می گردند.

مولف خود را در کتاب نگارنده، احقر العباد، هیچمدان و مدعا نگار خطاب می کند.

از این کتاب چند نسخه خطی باقی مانده است از جمله:

۱- نسخه ای در کتابخانه آیت الله مرعشی تحت شماره ۷۴۵۵ درو ۵۱۷ برگه و در هر صفحه ۱۳ سطر با خط نستعلیق که عنوان ها با خط شنگرف مشخص شده است. اندازه صفحات ۳۰ × ۲۲/۵ می باشد. سنه استنساخ این نسخه ۱۲۳۹ ه.ق است. این نسخه برای تصحیح و مقابله، نسخه اساس قرار گرفته است.

۲- نسخه دانشگاه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۲۸۸ که کتابت آن قرن ۱۴-۱۳ می باشد. که برای تطبیق با نسخه اساس به عنوان نسخه بدل قرار گرفته است.

۳- نسخه مجلس در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران به شماره ۱۳۸۵ که تاریخ کتابت آن مشخص نشده است. که به عنوان نسخه بدل دوم مورد استفاده قرار گرفته است.

۴- نسخه خطی خلاصه التواریخ در کتابخانه موزه ملی پاکستان در کراچی به شماره M. N. ۱۹۷۸-۳۶ (گروه پژوهشی ادب فارسی در شبه قاره، ص ۶۵۶)

۵- نسخه خطی در کتابخانه موزه بریتانیایی به شماره Or. ۲۰۵۷ (گروه پژوهشی ادب فارسی در شبه قاره، ص ۶۵۶)
نسخه های دیگر به همین نام وجود دارد از جمله:

۱- خلاصه التواریخ اثر قاضی احمد بن شرف الدین حسین حسینی منشی قمی. (دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ۱۳۸۴، ص ۴۴۴)

۲- خلاصه التواریخ نسخه ای به شماره ۱۴۷۴ از کیومرث تا شاه عباس سوم صفوی در کتابخانه ملی. (الیاسی - خالندی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳)

۳- خلاصه التواریخ نسخه ای به شماره ۲۸۰۸ به تاریخ ۱۲۵۶ ه. ق از پیشدادیان تا مظفرالدین شاه قاجار در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. (الیاسی - خالندی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳)

۴- خلاصه التواریخ از محمد فضل امام خیرآبادی در یک مقدمه و هفت گفتار درباره تاریخ اعراب و هندوستان و مطالبی درباره حکما به شماره ۹۵۹ در کتابخانه گنج بخش در اسلام آباد (گروه پژوهشی دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، ۱۳۷۵، ص ۶۵۲)

۵- خلاصه التواریخ (۱۲۷۷ق) از میرزا سیف الدین در تاریخ فشرده کشمیر به شماره ۲۳۴ در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ. (گروه پژوهشی دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، ۱۳۷۵، ص ۶۹۳)

۶- خلاصه التواریخ (۱۲۷۷ق) از انتظام الملک ممتازالدوله مهاراجه گلیان سنگه بهادر تهور جنگ در تاریخ تیموریان هند تا ۱۲۲۷ق و ناظم های بنگال به شماره ۵۹۴ در کتابخانه بانکپور و add. ۲۴.۰۸۳ و ۱۶۹۴ or در کتابخانه موزه بریتانیا (گروه پژوهشی دانشنامه ادب فارسی قاره، ۱۳۷۵، ص ۶۹۵)

۷- خلاصه التواریخ از محمد ظفرالدین شاه جهان آبادی در سال ۱۱۸۲ق درباره پیامبران و امامان و پیران و قادریان که به نام صحیفه مجمع الاخبار نیز گفته شده است. (گروه پژوهشی دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، ۱۳۷۵، ص ۶۹۵)

نتیجه گیری

به طور کلی از معرفی کتاب خلاصه التواریخ از ابتدا تا پادشاهی ظهیر الدین محمد بابر و بررسی آن می توان ادعا کرد که کتاب مورد نظر به دلایل زیر ارزشمند است:

الف-مؤلف کتاب خلاصه التواریخ تاریخ هندوستان را از ابتدا تا زمان تالیف بیان کرده به خصوص بخش اول کتاب که اطلاعات مفیدی در مورد راجه های هندوستان و مدت سلطنت آنها پیش از ورود اسلام و جغرافیای کهن آن سرزمین به ما می دهد.

ب-مؤلف از کتابهای تاریخی معتبر و مطمئن استفاده کرده که در نتیجه این کتاب را مستند کرده و در زمینه تاریخی برای استفاده نویسندگان بعدی از منابع معتبر به شمار می آید.

ج-نثر مؤلف نثر ادبی است و برای آن که خواننده دچار ملال و خستگی نشود تاریخ را به حکایات باستانی آمیخته است که مجموع این حکایات از نظر ادبی ارزشمند است و نیز کاربرد واژه های فارسی و اغلب معادل عربی آن ها در کنار هم و نیز بعضی واژگان هندی همراه با معنی آن ها به غنای واژگان فارسی افزوده است.

در پایان پیشنهاد می کنم در شناختن نسخه های خطی که مهجور مانده اهتمام بیشتری بکنیم و کتاب هایی را در سرزمین های دیگر به زبان فارسی است شناسایی کنیم و از این گنجینه های عظیم استفاده کنیم با تصحیح و انتشار این نسخ زمینه تحقیق در موضوعات مختلف فراهم می شود و می توانند در تکمیل و تصحیح کتب و نسخ دیگر موثر باشند..

منابع

۱. رای بهنداری ، سبحان ، تاریخ کتابت ۱۲۳۹، خلاصه التواریخ ، نسخه خطی کتابخانه آیت ... مرعشی به شماره ۷۴۵۵
۲. رای بهنداری ، سبحان ، تاریخ کتابت قرن ۱۳-۱۴، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۵۲۸۸
۳. رای بهنداری ، سبحان ، تاریخ کتابت نامعلوم ، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی ، به شماره ۱۳۸۵
۴. تبریزی، محمدحسین بن خلف، ۱۳۴۲، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین ، چاپ تهران، انتشارات امیر کبیر
۵. دهخدا ، علی اکبر، ۱۳۷۲ ، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران
۶. هندوشاه استرآبادی ، محمدقاسم ، ، ۱۳۸۷، تاریخ فرشته، تصحیح از نصیری،محمدرضا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ،ج ۱
۷. گروه پژوهشی دانشنامه ادب فارسی ، ۱۳۷۵، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره ، به سرپرستی حسن انوشه ، تهران ، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه، ج ۴ بخش ۲و ۱
۸. گروه پژوهشی دانشنامه ادب فارسی ، ۱۳۸۰، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره ، به سرپرستی حن انوشه ، تهران ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات ، ج ۴، بخش ۱و ۲
۹. بداونی ، عبدالقادر بن ملوک شاه ، ۱۳۷۹، منتخب التواریخ ، تصحیح مولوی ،احمدعلی، با اضافات ه.توفیق سبحانی، تهران ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۱۰. بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی ، ۱۳۹۱، دانشنامه جهان اسلام ، زیر نظر سید مصطفی میر سلیم ، تهران ، ج ۱۶و ۹
۱۱. بنیاددایره المعارف اسلامی ، ۱۳۹۰، دانشنامه جهان اسلام ، زیر نظر غلام علی حداد عادل ، تهران ، مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع ، ج ۱۵

۱۲. علامی، ابوالفضل بن مبارک، ۱۳۷۲، اکبر نامه تاریخ گورکانیان هند، به کوشش غلامرضا طباطبایی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

۱۳. فیضی، ابوالفیض بن مبارک، ۱۳۶۲، دیوان اشعار، با مقابله و مقدمه آهی، حسین، تهران، فروغی

۱۴. الیاسی، علی احمد و خالدی، انور، ۱۳۹۱، تهران، مقاله خوانشی از نسخه خطی تاریخ عجم به سیاق التواریخ، فصل نامه اسناد، مطبوعات متون، دوره دوم، سال پنجم، پیام بهارستان، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱